

حدیث نظر بازی و رندی در ادب عرفانی

دکتر محمد رضا زمان احمدی*

چکیده

در شناخت‌شناسی عارفانه، ابزار شناخت مهم است. همان‌طور که فیلسوف و اهل استدلال از ابزار عقل جهت تبیین نظر خود بهره می‌جوید، عارف و صوفی، دل را تنها محک، ابزار و معیار شناخت حقیقت می‌داند و معتقد است که راز درون پرده را رندان مست (= عاشقان نظر باز) می‌دانند و بس. آنان که گوششان از شنیدن قصه ایمان مست شده است در طلب آنند که از مقام گوش (= علم‌الیقین) به مقام چشم (عین‌الیقین = نظر بازی) نایل شوند. سعی نگارنده بر آن است تا علاوه بر بررسی موضوع نظر بازی از دیدگاه صاحب‌نظران، کاربرد و مصادیق آن را در قلمرو رفتار فردی (= علم اخلاق) و قلمرو رفتار جمعی (= تدبیر منزل و سیاست مُدُن) نشان دهد.

واژه‌های کلیدی

نظر بازی، عاشقی، رندی، ادب عرفانی

* استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی اراک.

□ فصلنامه تخصصی زبان و ادبیات فارسی ❖ سال اول ❖ شماره ۴

مقدمه

نظر: نگریستن، نگریستن در چیزی به تأمل، انتظارداشتن چیزی را، مترقب حضور چیزی شدن... (۱)

در اصطلاح: نظر، توجه و دقت در امور و حقایق موجودات است و نیز توجه حضرت حق تعالی است بر سالک راه حق و توجه بنده است به حق تعالی. «خواجه عبدالله انصاری» گوید: نظر دو است: نظر انسانی و نظر رحمانی؛ نظر انسانی آن است که تو به خود نگری و نظر رحمانی آن است که حق به تو نگردد و تا نظر انسانی از تو رخت بر ندارد نظر رحمانی به دلت نزول نکند و عنایت معشوق به عاشق را نیز نظر گفته‌اند. (۲)

نظربازی در مقابل تنگ‌نظری و کوتاه‌نظری

مکتب عشق و رندی به مقتضای ماهیت خود که سربان عشق در همه کائنات است نمی‌تواند در چار دیواری تفکری خاص محصور بماند چرا که باور دارد «در هیچ سری نیست که سرتی ز خدا نیست». کوتاه‌نظری دیدگاه خامان خودبین است که با دیده (= نظر) آلوده خود تنها عیب (= همان آلودگی نظر) را می‌بینند و بس:

یا رب آن زاهد خودبین که به جز عیب ندید / دود آهیش در آینه ادراک انداز
(حافظ، ۱۶۶)

و:

چشم آلوده‌نظر از رخ جانان دور است / بر رخ او نظر از آینه پاک انداز
(حافظ ۱۶۵)

خودبینی و خودپسندی، زاهد ربایی را دچار پرتگاه عجب و غرور می‌کند تا از راه باز

۱- علی اکبر دهخدا. لغت‌نامه.

۲- عباس کی‌منش. پرتو عرفان، شرح اصطلاحات عرفانی کلیات شمس. تهران: انتشارات سعدی، چاپ اول، ۱۳۶۶.

حدیث نظریازی و رندی در ادب عرفانی ۱۳

می ماند و از عنایت محروم:

زاهد غرور داشت سلامت نبرد راه رند از ره نیاز به دارالسلام رفت

(حافظ، ۵۳)

و:

زاهد و عجب و نماز و من و مستی و نیاز تا تو را خود ز میان با که عنایت باشد(افتد)

(حافظ، ۹۹)

«از نظر حافظ، زاهد آن چنان خودبین است که قطع نظر از عشق، پروای وجود دیگران را هم ندارد و آن چنان به خود مشغول است که حقیقت را نتواند دید. زاهد خدا را نمی پرستد بلکه آنچه می پرستد، بت نفس خویش است و بت های کام و نام و لذات دنیوی.»^(۱)

زاهد چو از نماز تو کاری نمی رود هم مستی شبانه و راز نیاز من

(حافظ، ۲۵۱)

زاهد کوتاه نظر که به خویش حاضر است از او غایب خواهد بود چرا که از دایره وجودی خویش فراتر نتواند دید:

فکر خود و رای خود در عالم رندی نیست کفر است در این مذهب خودبینی و خودرایی

(حافظ، ۳۱۱)

یکی از موانع نظریاختن با عذار یار، غبار راه سلوک است که بر دیده سالک نشسته است. این غبار می تواند حضور «من» باشد و توفیق سلوک را از خود و به حساب خود فرض کردن؛ در حالی که سالک نظریاز، اهل عمل پاک است و از عمل پاک هم پاک می شود.

جمال یار ندارد نقاب و پرده ولی غبار ره بنشان تا نظر توانی کرد

(حافظ، ۸۹)

عاشق، نظریاز است و این نظریازی ایجاب می کند که خودبین (=بیننده خود) نباشد بلکه نظرش بر ماورای خود است و از شیفتگی خود به در می آید و در او واله می شود و به مقام

۱ - فخرالدین مزارعی. مفهوم رندی در شعر حافظ. ترجمه کامبیز محمودزاده. تهران: سازمان چاپ ۱۳۷۳، ۱۲۸.

۱۲ حدیث نظربازی و رندی در ادب عرفانی

صاحب نظری نایل می‌شود:

وجه خدا اگر شودت منظر نظر زین پس شکی نماند که صاحب نظر شوی
(حافظ، ۳۰۷)

و این نظربازی است که سالک را تشویق می‌کند تا در قمره عشق همه چیز را ببازد؛ حتی
جان را:

این جان عاریت که به حافظ سپرد دوست روزی رخس بسبینم و تسلیم وی کنم
(حافظ، ۳۲۰)

و یا:

اگر به جای جان گیری گزیند دوست حاکم اوست

حرامم باد اگر من جان به جای دوست بگزینم
(حافظ، ۲۲۲)

نظرباز می‌داند که جایگاه او این دیر خراب آباد نیست:

که ای بلندنظر شاهباز سدره نشین نشیمن تو نه این کنج محنت آباد است
(حافظ، ۲۴)

مقابله نظربازان با کوته نظران

عرفای عاشق به ویژه حافظ، کوتاه نظری را در معنای دون‌همتی و بخل و تنگ‌چشمی در
مقابل بلندهمتی، پاک‌بازی و وسعت نظر و رهایی از رنگ تعلق آورده‌اند:

تو و طوبی و ما و قامت یار فکر هر کس به قدر همت اوست
(حافظ، ۳۶)

غلام همت آنم که زیر چرخ کبود ز هر چه رنگ تعلق پذیرد آزاد است
(حافظ، ۲۴)

عاقبت دست بدان سرو بلندش برسد هر که را در طلبت همت او قاصر نیست
(حافظ، ۴۵)

حدیث نظریازی و رندی در ادب عرفانی □ ۱۵

ذره را تا نبود همت عالی حافظ طالب چشمه خورشید درخشان نشود
(حافظ، ۱۴۲)

و:

گرچه گردآلود فقرم شرم باد از همتم گر به آب چشمه خورشید دامن تر کنم
(حافظ، ۲۱۷)

کوتاه‌نظری در چاه وجود ماندن است و نظریازی بر مصر مملکت، عزیز شدن. تو یا این مردم کوتاه‌نظر در چاه کنعانی به مصر آ تا پدید آیند یوسف را خریداران
(کلیات سعدی، ۴۸۶)

مولانا وجود سالکان طریق را همچون «دلو» می‌داند که به چاه این جهان برای نجات یوسف جان آمده‌اند و پیران و اولیاء را نه دلو که آب می‌نامد که ماهیان (= سالکان دریای معرفت) از آن حیات و بقا می‌یابند بنابراین چاه پایگاه کوتاه‌نظران مبتلا در ظلمت نفس و دلو ابزار نجات و آب، شراب معرفت است که صاحب‌نظران از آن سرخوشند:
سعدی فرماید:

به چشم کوتاه اغیار در نمی‌آید مثال چشمه خورشید و دیده خفاش
(کلیات سعدی، ۷۰۳)

و یا:

هرکسی را به تو این میل نباشد که مراسم که آفتابی تو و کوتاه‌نظر مرغ شب است
(کلیات سعدی، ۳۲۵)

کوتاه‌بینی و تنگ‌نظری باعث شده است که در نقش صورت بمانیم و رقم صنع صانع را در نیابیم.

چشم کوتاه‌نظران بر ورق روی نگارین خط همی بیند و عارف رقم صنع خدا را
(کلیات سعدی، ۳۰۸)

از این دیدگاه است که تنگ‌چشمان نظر به میوه می‌کنند و نظریازان، تماشاکنان بوستانند.

۱۶ □ حدیث نظربازی و رندی در ادب عرفانی

مضمون «تنگ چشمی» و «چشم تنگ» و مترادف آن، علاوه بر مفهوم ظرفیت محدود معرفتی، مبین حرص و ولع نیز هست که این معنا خود حکایت از تنگ نظری در برابر نظربازی و قناعت دارد.

گفت چشم تنگ دنیا دار را یا قناعت پر کند یا خاک گور

(کلیات سعدی، ۱۴۲)

عاشقان را گر در آتش می‌پسندد لطف دوست تنگ چشمم گر نظر در چشمه کوثر کنم
(حافظ، ۲۱۷)

این تنگ چشمان دنیا را با متاع قلیلش می‌بینند و از آخرت که «خیر و ابقی» است، غافلند چون جنینی که بودن در رحم مادر را بهترین گزینه می‌داند زیرا از عالم ورای دنیای خود بی‌خبر است:

کوتاه‌نظر غافل از آن سرو بلند است که این جامه به اندازه هر کس نبریند

خداوند نظرباز ترین است

نظرباز همچون دیگر زیبایی‌ها از سوی یار بر عاشقانش افزایده می‌شود که «کل جمیل من جمال الله». مفاهیمی چون سبقت رحمت خداوند بر غضبش، فراشمولی رحمت و اسع خداوندی، و بخشایش همه گناهان از طرف او مؤید یک بُعد از نظربازی خداوند است: در سوره مبارک زمر آیه ۵۳ می‌فرماید: «قل یا عبادي الذين اسرفوا على انفسهم لا تقنطوا من رحمة الله ان الله يغفر الذنوب جميعاً انه هو الغفور الرحيم»^(۱). و در بخشی از آیه مبارک ۱۵۶ سوره اعراف می‌فرماید: «و رحمتي وسعت كل شيء»^(۲).

و گاه این نظر بخشایش را بر دل اولیاء عرضه می‌کند که آنها هم بتوانند با یک آه گناه آدم

۱- ای رسول به آن بندگانم که اسراف بر نفس خود کردند یگو هرگز از رحمت خدا ناامید مباشید. البته خدا همه گناهان را خواهد بخشید (بعد از توبه) که او خدایی بسیار آمرزنده و مهربان است.
۲- ولی رحمت من همه موجودات را فرا گرفته است.

حدیث نظریازی و رندی در ادب عرفانی

و حوا و همه مردم را (به تبع آن) بسوزانند:

از دل تنگ گسسته کار برآرم آهی
که آتش اندر گنه آدم و حوا فکنم

(حافظ، ۲۱۸)

در داستان‌های حضرت ابراهیم (ع) می‌خوانیم که: مدتی بود که میهمانی بر ایشان وارد نشده بود و آن حضرت از این باب غمگین بودند تا این که زالی بر او وارد شد. ابراهیم (ع) ضیافتی بساخت و او را بسی گرمی داشت اما از پذیرایی خود دلگیر و پشیمان شد چرا که میهمان آداب مسلمانی (توحیدی) را در تناول غذا و شکر آن نگذارد. نظر باز خداوند ابراهیم (ع) را خطاب کرد و فرمود: من او را نود سال پروردم حال آن که یک سجده بر من نکرد و روی در هم نکشیدم! با یک وعده اطعام دلگیر شده‌ای؟!

بنابراین یکی از راه‌های درک بهتر نکات مبهم حوزه‌های مختلف علمی بهره‌جستن از ابزار شناخت با توسل به «اضداد» است که: «تعرف الاشیاء بأضدادها».

یعنی تنگ‌نظری، کوتاه‌نظری، تنگ‌چشمی و یخل و بینش محدود که می‌تواند از آثار عجب و غرور ناشی از علوم اکتسابی (= حصولی) باشد قادر است ما را به نقطه مقابل خود یعنی به نظریازی بلندنظری، بزرگواری در منش و وسعت دید با اتصال به علوم حقیقی (= حضوری) راهنمایی کند و جالب آن که هر که در این دنیا نابینا باشد و از نظریازی محروم (فاقد معرفت) در آن جهان نیز کور و از نظریاختن با رخ یار محبوب خواهد ماند و این نص قرآن است.^(۱)

البته نظریازی در معنای مناظره که به آن علم خلاف و جدل و علم‌النظر گویند هم آمده است:

از بتان آن طلب ار حسن‌شناسی ای دل
که این کسی گفت که در علم نظر بینا بود

(حافظ، ۱۲۷)

۱- «و من كان في هذه اعمى فهو في الآخرة اعمى و اضل سبيلاً». (هر کس در این دنیا نابینا باشد (چشم دلش کور باشد) در آخرت نیز کور دل و گمراه‌تر خواهد بود). قرآن مجید، سوره مبارک اسراء، آیه ۲۲.

نظریازی و رندی حافظ

عاشق و رند و نظربازم و می‌گویم فاش تا بدانی که به چندین هنر آراسته‌ام
(حافظ، ۱۹۴)

عاشقی، رندی و نظریازی را هنر می‌داند و به آن می‌بالد، زیرا هنر همان فضیلت مطرح در تأسیس مدینه فاضله است که فیلسوفان آن را به شکل فضیلت حکمت، فضیلت شجاعت و فضیلت عفت مطرح می‌کنند و این سه گانه را مادر فضایل می‌دانند.

«اصغر دادبه» برای رندی قایل به دو نظام، یعنی نظام نظری و نظام عملی رندی می‌باشند. ایشان اعتقاد به مکتب عشق و به عبارتی عاشق‌بودن رند را جزو نظام نظری رندی دانسته‌اند و معتقدند: «در نظام رندانه اولاً عشق نخستین آفریده است و بنیاد هستی موجودات، ثانیاً عشق یگانه ابزار کشف حقیقت است که از پرتو عشق، دل صافی را می‌توان دید و دل صافی، تنها جلوه‌گاه حقیقت است.»^(۱)

از دیدگاه ایشان، عشق نه تنها رکن اساسی نظام رندی است بلکه در نظام عملی رندانه نیز عشق نقشی بنیادین دارد: «اگر نظر یا حکمت نظری به تعبیر خواجه نصیر «دانستن چیزهاست چنانچه باید» عمل یا حکمت عملی «قیام نمودن به کارهاست چنانچه باید»^(۲) ایشان از سه گانه فلاسفه و به عبارتی سه فضیلتی یاد می‌کنند که مادر تمامی فضیلت‌ها و نیکی‌هاست و آن سه فضیلت عبارتند از:

۱ - فضیلت حکمت (= دانایی)، حاصل اعتدال قوه ملکی (= نفس ناطقه = عقل) است.

۲ - فضیلت شجاعت، معلول اعتدال قوه غضبی (= بهیمی) است.

۳ - فضیلت عفت، نتیجه اعتدال قوه شهوی است...

چهارمین فضیلت هم که فیلسوفان از آن سخن می‌گویند، عدالت است که در پرتو اعتدال فضایل سه گانه: حکمت، شجاعت، عفت به بار می‌آید. این فضایل سه گانه یا چهارگانه مادر

۱- به نقل از فخرالدین مزارعی. همان، ص ۴۱. ۲- همان، ص ۴۲.

فضیلت‌ها و نیکی هاست ... (۱)

اما رندان اعلام می‌دارند مادر فضایل، سه فضیلت عاشقی، رندی و نظریازی است. وقتی حافظ، عاشقی، رندی و نظریازی را هنر (= فضیلت) می‌شمارد و از این معنا سخن می‌گوید که «آخر بسوخت جانم در کسب این فضایل» تو گویی می‌کوشد تا در برابر فضایل سه‌گانه فیلسوفان، از سه فضیلت رندانه، یعنی از عاشقی، رندی و نظریازی به عنوان مادر فضایل سخن بگوید و اعلام دارد: از دیدگاه عاشقان عاشقی، حکمت است. رندی شجاعت است. نظریازی، عفت است. (۲)

حال به تبیین تطبیق سه‌گانه فیلسوفان و رندان می‌پردازیم تا باز به موضوع اصلی یعنی نظریازی برسیم:

الف) عاشقی همان حکمت است؛ عشق موهبتی الهی است که به اهل آن افاضه می‌شود و حکمت حقیقی و شاید یقینی آن زمان حاصل می‌شود که سالک چهل روز خود را برای حق خالص گرداند تا چشمه‌های حکمت از دل بر زبانش جاری شود.

که ای صوفی شراب آنکه شود صاف کسه در شیشه برآرد اربعینی

(حافظ، ۳۰۳)

و این خلوص و پاکی - چه در حوزه حکمت نظری، چه در حوزه حکمت عملی - کار عشق است:

هر که را جامه ز عشقی چاک شد او ز حرص و جمله عیبی پاک شد

(مثنوی مولوی، ص ۲)

و از سویی، عشق نتیجه ادراک و معرفت و حاصل علم است و از احاطه علم و معرفت و ادراک و تعلق آنها به حسن، عشق پیدا می‌شود، بنابراین عاشق = عارف = آن که اهل حکمت و مقام معرفت است.

ب) رندی همان شجاعت است و این موضوع در سراسر دیوان حافظ و گاه سعدی و

۱- همان، ص ۴۳. ۲- همان، ص ۴۳.

عراقی و... دیده می‌شود: آن جا که رند بر مراثیان می‌تازد و خرقه‌های مستوجب آتش را معرفی می‌کند و با قلب‌شناسی زاهد را از زهد ریا باز می‌دارد و گاه صوفی شهر را که لقمه به شبهه می‌خورد به همه نشان می‌دهد و فقیه مدرسه را در حال فتوادادن مست می‌انگارد و اقرار از او می‌گیرد که مال اوقاف خور است و مهم‌تر آن که سلطان محتسب را از غفلت و نسیان به‌در می‌آورد و می‌گوید «محتسب شیخ شد و فسق خود از یاد بیرد» همه و همه دال بر شجاعت رند حافظ و یا حافظ رند است و شرط و زمینه تحقق عدالت، شجاعت است که این فضیلت در حوزه رفتار جمعی بسیار مهم و تأثیرگذار است.

ج) نظریازی همان عفت است. نظریازی که معادل عفت معرفی می‌شود بیان‌گر این نکته است که شریعت با نظریاختن حرام و حظ نفسانی حاصل از آن به صراحت مخالفت می‌کند و نگاه آلوده را تیری از سهام شیطان می‌داند، «خرمشاهی» در «حافظنامه» ذیل اصطلاح نظریازی به این جمله جامع و مانع اکتفا کرده‌اند که: «حافظ نظریاز است اما آلوده نظر نیست»^(۱) تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل:

منم که شهره شهرم به عشق ورزیدن منم که دیده نیالوده‌ام به بد دیدن
(حافظ، ۲۴۶)

نظریازی، لازمه عشق است، با چشمان بسته نمی‌توان عاشق شد و این موضوع هم در عشق مجازی و هم حقیقی صادق است بدان معنا که با نظر بسته نمی‌توان در آثار صنع حیران شد و به وجود صانع پی برد. از دیگر سو آنان که به بهانه نیفتادن در دام گناه از نظریازی با مظاهر زیبایی می‌پرهیزند این قول را در ذهن و زبان دارند که:

بزرگی دیدم اندر کوهساری قناعت کرده از دنیا به غاری
چرا گفتم به شهر اندر نیایی که باری بندی از دل برگشایی
بگفت آن جا پریرویان نغزند چو گل افزون شود پیلان بلغزند
(کلیات سعدی، ۸۳)

۱- بهاء‌الدین خرمشاهی. حافظنامه. تهران: علمی فرهنگی، چاپ دهم، ۱۳۶۶، ص ۷۰۵.

حدیث نظربازی و رندی در ادب عرفانی [۱] ۲۱

این کوتاه‌نظران، شجاعت روبه‌رو شدن با مظاهر حسن را ندارند و این بدان معناست که بر ضعف و ذلت خود در حفظ حظ نفس واقفند.^(۱)

اینان به خاطر گرفتارنشدن در دام زلف مهرویان، از آنان می‌گریزند و به غار پناه می‌برند! حال آن که باور صحیح آن است که انسان سالک (= عاشق) از پادتن تقوا استفاده کند تا در مواجهه با جلوات و اطوار پریرویان اسیر نقش نفس نشود و از نقش به نقاش هدایت شود و ابروی یار او را به گوشه محراب بکشانند و چشم یار، مستی حقیقی را به ارمغانش آورد:

ابروی یار در نظر و خرقه سوخته جامی به یاد گوشه محراب می‌زدم

(حافظ، ۲۰۰)

و:

از بس که چشم مست درین شهر دیده‌ام حقا که می‌نمی‌خورم اکنون و سرخوشم

(حافظ، ۲۱۲)

مکتب عشق و نظربازی

بحث از هنر و فضیلت «نظربازی» را از منظر بزرگانی چون حافظ و سعدی و عراقی و مولانا می‌توان از ارکان اصلی مکتب عشق دانست که به عنوان «فراشمول‌ترین مکتب» با زیربنای «در هیچ سری نیست که سری ز خدا نیست»، پایگاه ایدئولوژیک آنها را تشکیل می‌دهد.

حافظ - رند نظرباز -، مفهوم نظربازی را با چنان گستره‌ای به کار می‌گیرد که در تمامی حوزه‌ها از جمله در قلمرو رفتار فردی (= علم اخلاق) با تمامی ابعاد آن و در حوزه رفتار جمعی (= تدبیر منزل و سیاست مدن) می‌تواند مفهومی زیبا خلق کند و راه را به رهروان بنمایاند، به عنوان نمونه خوش‌باشی و اغتنام فرصت نوعی نظربازی است یعنی همه چیز را از نظر بیفکن و خوش باش چون حافظ با نظرباز خود تیغ هلاک را در دست روزگار می‌بیند.

۱- این پرهیز در جایگاه خود می‌تواند مفید باشد به شرط آن که جهتی تهذیبی داشته باشد.

برو به هر چه تو داری بخور دریغ مخور که بی دریغ زند روزگار، تیغ هلاک
(حافظ، ۱۸۷)

و این نظریازی، سالک را از سقوط به جایگاه نازل بخل و امساک باز می‌دارد:
چه دوزخی چه بهشتی چه آدمی چه پری به مذهب همه کفر طریقت است امساک
(حافظ، ۱۸۷)

یکی از ویژگی‌های پایدار و مهم فضیلت و هنر نظریازی، هر دو جهان را از نظر همت
برانداختن است و این به نظر نگارنده، جان کلام است:
اهل نظر دو عالم در یک نظر ببازند عشق است و داو اول بر نقد جان توان زد
(حافظ، ۹۷)

ایهام‌گونه‌ای که در «یک نظر» مصراع اول وجود دارد زیبایی آن را مضاعف می‌کند: «یک
نظر» می‌تواند عنایت معشوق باشد که نظرش کیمیاست و هستی عاشق را قلب ماهیت
می‌کند و یا «یک نظر» ممکن است این معنا را برساند که با یک بار دیدن یار، عاشق
صاحب‌نظر، حاضر است از دو عالم دست بکشد که این مفهوم و معنای قبلی هر دو در
نهایت یکی است و به این بیت ما را می‌کشاند که:

اگر آن ترک شیرازی به دست آرد دل ما را به خال هندویش بخشم سمرقند و بخارا را
(حافظ، ۲)

و مفهوم بیت مورد نظر (در یک نظر باختن دو عالم) این‌گونه توجیه می‌شود که معشوق
با کیمیای نظر خود، حقایق عالم هستی را به عاشق نشان می‌دهد یعنی عاشق را از مرتبه
علم‌الیقین، به مرتبه عین‌الیقین وارد می‌کند. در این جاست که سالک می‌فهمد هیچ کس و
هیچ چیز خوش و زیبا نیست مگر چشم یار!

به جز آن نرگس مستانه که چشمش مرسد زیر این طارم فیروزه کسی خوش ننشست
(حافظ، ۱۶)

حدیث نظربازی و رندی در ادب عرفانی ۲۳

یعنی «كُلُّ مَنْ عَلَيْهَا فَانٍ وَيَبْقَى وَجْهَ رَبِّكَ ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ»^(۱)

و از این منظر، خواهان «گوشه چشمی» خواهیم شد:

آنان که خاک را به نظر کیمیا کنند آیا بود که گوشه چشمی به ما کنند

(حافظ، ۱۲۲)

و عشق و دلبری وقتی کامل می شود که با نظربازی جمع آید:

کمال دلبری و حسن در نظربازی است به شیوه نظر از نادران دوران باش

(حافظ، ۱۷۱)

دیده نظرباز قابل تحسین است چون زیباترین را انتخاب کرده است!!

هر کس که دید روی تو بوسید چشم من کاری که کرد دیده من بی نظر نکرد

(حافظ، ۸۷)

نظربازی در مقابل آلوده نظری

پیش از این مطرح شد که «حافظ نظرباز است اما آلوده نظر نیست»^(۲)

در پاسخ ملامتگرانی که با کوفهمی، نظرباختن عرفا را با خود قیاس می کنند می توان به

این بسنده کرد که:

در نظربازی ما بی خبران حیرانند من چنینم که نمودم دگر ایشان دانند

(حافظ، ۱۲۰)

و شاهد مثال هایی بسیار وجود دارد که شرط نظربازی، پاکی نظر است:

چشم آلوده نظر از رخ جانان دور است بر رخ او نظر از آینه پاک انداز

(حافظ، ۱۶۵)

۱- سوره الرحمن، آیه های مبارک ۲۶ و ۲۷.

۲- بهاء الدین خرمشاهی، همان.

و:

غسل در اشک زدم که اهل طریقت گویند پاک شو اول و پس دیده بر آن پاک انداز
(حافظ، ۱۶۵)

و:

او را به چشم پاک توان دید چون هلال هر دیده جای جلوه آن ماه پاره نیست
(حافظ، ۴۶)

به هر نظر بت ما جلوه می‌کند لیکن کس این کرشمه نبیند که من همی نگرم
(کلیات سعدی، ۶۲۵)

نظربازی و عین الیقین

اصطلاحات علم‌الیقین، عین‌الیقین و حق‌الیقین را می‌توان مراحل کمال روحانی بشر دانست که در قرآن کریم هم اشاراتی بر آنها رفته است. علم‌الیقین شناخت و معرفتی است که عاشق به معشوق دارد و او را با هزار زبان وصف می‌کند و پیوسته خواستار دیدن این معشوق اطواری است. در واقع انسان از راه باطن خویش می‌تواند با حقیقت واحد جهان که همان حضرت حق است ارتباط حضوری داشته باشد. یعنی با ضمیر خودش این حقیقت را دریابد و این زمانی امکان‌پذیر است که چشم و گوش سر را بر امور این جهانی بر بندیم:

چشم دل باز کن که جان بینی آنچه نادیدنی است آن بینی
و عاشق نظرباز را هرگز بدین گناه نمی‌گیرند و مؤاخذه نمی‌کنند چرا که مقصر دیگری است:

دنبال تو بودن گنه از جانب ما نیست با غمزه بگو تا دل مردم نستانند
(کلیات سعدی، ۵۹۰)

و:

حسنه به ازل نظر چو در کارم کرد بنمود جمال و عاشق زارم کرد

حدیث نظربازی و رندی در ادب عرفانی [۲۵]

من خفته بدم به ناز در کتم عدم حسن تو به دست خویش بیدارم کرد!
(عراقی، ۳۶۷)

و در پایان این غزل را حسن ختام می‌آورم تا توجه نظربازی عراقی باشد:

در حسن رخ خوبان پیدا همه او دیدم	در چشم نکورویان زیبا همه او دیدم
در دیده هر عاشق او بود همه لایق	واندر نظر وامق عذرا همه او دیدم
دلدار دل‌افگاران، غم‌خوار جگرخواران	یاری‌ده بی‌یاران هر جا همه او دیدم
دیدم همه پیش و پس جز دوست ندیدم کس	او بود همه او بس تنها همه او دیدم
دیدم گل و بوستان‌ها صحرا و بیابان‌ها	او بود گلستان‌ها صحرا همه او دیدم
هان ای دل دیوانه بخرام به میخانه	که‌اندر خم و پیمانه پیدا همه او دیدم
در میکده و گلشن، می‌نوش می‌روشن	می‌بوی گل و سوسن که اینها همه او دیدم

(عراقی، ۱۶۷)

منابع و مأخذ

- ۱- قرآن مجید.
- ۲- حافظ شیرازی، شمس‌الدین محمد. دیوان اشعار. تهران: اقبال، چاپ ۱۳۷۴.
- ۳- خرمشاهی، بهاء‌الدین. حافظ نامه. تهران: علمی و فرهنگی، چاپ دهم، ۱۳۶۶.
- ۴- دهخدا، علی‌اکبر. لغت‌نامه.
- ۵- سعدی شیرازی، مشرف‌الدین. کلیات. به اهتمام محمدعلی فروغی. تهران: بهزاد، ۱۳۷۷.
- ۶- عراقی، فخرالدین. کلیات. مقدمه و حواشی از م. درویش. تهران: جاویدان، چاپ پنجم، ۱۳۶۸.
- ۷- کی‌منش، عباس. پرتو عرفان، شرح اصطلاحات عرفانی کلیات شمس. تهران: انتشارات سعدی، چاپ اول، ۱۳۶۶.
- ۸- مزارعی، فخرالدین. مفهوم رندی در شعر حافظ. ترجمه کامبیز محمودزاده. تهران: سازمان چاپ ۱۲۸، ۱۳۷۳.



پروشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی